

# ۲۲۳ - ای کنیز عزیزالهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ۲۲۳ - ای کنیز عزیزالهی

ای کنیز عزیزالهی، تا امتحان بمیان نیاید و محک صدق بکار نرود ذهب ابریز از نحاس غلیظ ممتاز نشود چون آتش آزمایش افروخته گردد زر خالص مانند گل شکفته شود و نحاس منحوس رسوا و آشفته گردد. پس حمد کن خدا را که در نائره بلایا رخ بر افروختی و دیده از این جهان بدوختی و در سبیل جانان رسم جانبازی آموختی فتور نیاوردی و قصور نورزیدی و از اصحاب قبور نترسیدی در درگاه احدیت کنیز شکور بودی و پر عقل و شعور قدم ثبات بنمودی و طریق نجات پیودی و گوی سبقت در میدان استقامت ربودی و آهنگ شور و شغف سرودی و دست انفاق گشودی و بقدر قوه تفقد ستمدیدگان فرمودی خدماتت در آستان شمس ملأ اعلیٰ جمال ابهی مقبول افتاد و تجمل زحمات در آستان کبریاء مرغوب و مطبوع و محبوب بود. لهذا قلم عبدالبهاء بتحسین و ستایش پرداخت و از حق طلب عون و عنایت نمود و چون بنظر حقیقت نگری این خدمت تاج مرصع است که بر سر نهادی و خلعت موهبت است که در بر نمودی عنقریب عزت این خدمت واضح و آشکار شود.



ORIGINAL



AUDIO